

نسبت نظر و عمل با ملکات اخلاقی و تبدل ذاتی انسان در حکمت متعالیه

اسماعیل سعادت‌ی خمسه*
استادیار دانشگاه محقق اردبیلی

چکیده

در حکمت متعالیه میان حکمت نظری و حکمت عملی رابطه هستی‌شناختی دقیقی وجود دارد. ملاصدرا بر پایه اصالت و تشکیک وجود، حرکت جوهری و حدوث جسمانی و بقاء روحانی نفس به تبیین این رابطه و تبدل نفسانی ناشی از آن می‌پردازد. تأثیر و تأثر میان افکار و اعمال و نیات و خلیقات فرد طی فرایند حرکت جوهری نفس صورت باطنی و حقیقی انسان را شکل می‌دهد؛ انسانها ابتدای آفرینش از نوع واحدند ولی در باطن و در آخرت بسبب غلبه ملکات مختلف نفسانی تحت انواع مختلف ملکی، حیوانی، سبعی و شیطانی قرار می‌گیرند. تجسم صورت اخروی و بدن مثالی انسان نیز متناسب با ملکات نفسانی و اخلاقی وی خواهد بود، زیرا در آخرت اجسام سایه ارواحند. این همان مسخ باطن یا تجسد اخلاق اشاره شده در نصوص دینی است. در عین حال، حرکت جوهری نفس - چه در مسیر ملکی و چه در مسیر حیوانی، سبعی یا شیطانی - از سنخ لبس بعد از لبس است، زیرا منشأ شقاوت باطنی و اخروی نیز نوعی اشتداد در فعلیت است. بنابراین، میتوان نتیجه گرفت که بر اساس مبانی و اصول حکمت صدرایی مسخ باطنی و اخروی انسان از سنخ انقلاب محال نیست.

کلیدواژگان

حکمت متعالیه
تبدل نفس
حرکت جوهری
ملکات اخلاقی

مقدمه

تعداد اندکی از فیلسوفان را، چه در غرب و چه در حوزه تفکر اسلامی، میتوان فیلسوفان نظام‌ساز نامید. این فلاسفه کوشیده‌اند با وضع اصول عقلی جدید، تبیین معقول و مستدلی از نظام هستی و مهمترین حوزه‌های شناختی و رفتاری انسان ارائه دهند. در این نظامها نسبت بین فلسفه نظری و فلسفه عملی هرگز در پس پرده غفلت نمانده است. فیلسوفان نظام‌ساز با تمایزی که بین فلسفه نظری و فلسفه عملی می‌گذارند دو حوزه عمده فکری را از هم تفکیک میکنند. حتی اکثر آنها فاعل و مصدر دو حوزه فعالیت نظری و عملی انسان را به دو حیثیت متفاوت از نفس انسانی، یعنی عقل نظری و عقل عملی، نسبت میدهند. در فلسفه نظری اصول اساسی نظام فلسفی تبیین و اثبات میشود و در فلسفه عملی، که خود میتواند شامل زیر شاخه‌های متعددی باشد،

*.Email:Skhamseh@yahoo.com

تاریخ تأیید: ۹۳/۱۱/۵

تاریخ دریافت: ۹۳/۹/۱۷